

Impact of Competition between China and EU in West of Asia on National Security of Iran

Mitra Rahnejhad*

<https://orcid.org/0000-0002-2231-142X>

Assistant Professor, Public Policy, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Tirdad Taghipoor Javi

<https://orcid.org/0000-0001-8959-4236>

Ph.D Student, International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

In West Asia, order, oil, and arms have always been the three main factors in determining the equations, which has led to the continued presence of major supra-regional powers in West Asia. Despite significant differences between China and the European Union, both are strategic partners. Given the presence of China and the European Union in the West Asian region, the question arises as to what effect the economic interests of China and the European Union in this region have on Iran's national security? The main hypothesis is: that: Since China and the European Union have no security competition and at the same time both are important economic players in the world; In the context of extensive US sanctions against Iran, the intersection of the interests of these two supra-regional powers in West Asia and its alignment with the interests of Iran's regional rivals will be a challenge to Iran's national security. This article seeks to answer the question of the article with a comparative view, based on the Copenhagen School of Security.

Keywords: China, EU, Iran, West Asia, National Security.

* Corresponding Author: mitrasahnejat@yahoo.com

How to Cite: Rahnejhad, M., Taghipoor Javi, T, (2021), "Impact of Competition between China and EU in west of Asia on National Security of Iran", Political Strategic Studies, 10(38), 142-174. doi: 10.22054/qpss.2021.53825.2598

تأثیر رقابت اقتصادی چین و اتحادیه اروپا در غرب آسیا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۹

میترا راه‌نجات*

استادیار گروه سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

<https://orcid.org/0000-0002-2231-142X>

تیرداد تقی‌پور جاوی

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

<https://orcid.org/0000-0001-8959-4236>

چکیده

نظم، نفت و اسلحه سه عامل اصلی در تعیین معادلات بوده است که سبب حضور پیوسته قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای در غرب آسیا شده است. علی‌رغم تفاوت‌های مهم میان چین و اتحادیه اروپا، هر دو شریک استراتژیک یکدیگر هستند. با توجه به حضور چین و اتحادیه اروپا در منطقه غرب آسیا، این پرسش مطرح می‌شود که منافع اقتصادی چین و اتحادیه اروپا در این منطقه چه تاثیری بر امنیت ملی ایران دارد؟ فرضیه اصلی این است: از آنجا که چین و اتحادیه اروپا هیچ‌گونه رقابت امنیتی ندارند و در عین حال هر دو از بازیگران مهم اقتصادی در سطح جهانی هستند؛ در فضای تحریم‌های گسترده آمریکا علیه ایران، تلاقی منافع این دو قدرت فرامنطقه‌ای در غرب آسیا و همسویی آن با منافع قدرت‌های رقیب منطقه‌ای ایران، چالشی برای امنیت ملی ایران خواهد بود. این مقاله می‌کوشد با نگاهی تطبیقی بر مبنای مکتب امنیتی کپنهاگ به پرسش مقاله پاسخ دهد.

واژگان کلیدی: چین، اتحادیه اروپا، ایران، غرب آسیا، امنیت.

مقدمه

منطقه غرب آسیا^۱ با داشتن ۶ درصد از جمعیت کل دنیا، ۵۹ درصد از ذخایر نفتی و ۴۵ درصد از ذخایر گازی جهان همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بین‌المللی و فرامنطقه‌ای بوده است. در حقیقت غرب آسیا از جمله مهمترین مناطق جغرافیایی جهان است که به لحاظ ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی از اهمیت بسیاری در معادلات جهانی برخوردار است. به گونه‌ای که از نگاه بعضی اندیشمندان نظم، نفت و اسلحه همواره سه عامل اصلی در تعیین معادلات این منطقه بوده است که سبب حضور پیوسته قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای در غرب آسیا شده است (چشمه سلطانی و عطار، ۱۳۹۶) حتی رقابت قدرت‌های منطقه‌ای (ایران، عربستان، ترکیه، رژیم اشغالگر قدس) نیز تحت تأثیر رقابت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در غرب آسیا می‌باشد. جنوب غرب آسیا بویژه در دو دهه اخیر شاهد فضای رقابت و چالش‌سازی سه قدرت ایران، عربستان و ترکیه بوده است. این سه قدرت علائق ژئوپلیتیکی متکثر و متنوع دارند و نگرش غیرقابل تقسیم آنها، بستر چالش‌سازی و منازعه را شکل داده است. براینکه این وضعیت به شکل‌گیری دسته‌بندی‌های منطقه‌ای، تولید بحران و منازعه انجامیده است.

چین با جمعیتی قریب به ۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر، تولید ناخالص داخلی ۱۳۶۰۸/۱۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ یکی از بزرگترین قدرت‌های فرامنطقه‌ای فعال در غرب آسیا بوده است (Chi & Other, 2020: 746-754). اتحادیه اروپا نیز با جمعیت ۵۱۳ میلیون نفری، یکی دیگر از قدرت‌های فرامنطقه‌ای فعال در غرب آسیا می‌باشد (Covi, 2020: 5-30). علت اصلی توجه چین و اتحادیه اروپا به غرب آسیا وجود ذخایر قابل توجه انرژی در این منطقه و نیاز مبرم این دو بازیگر به انرژی جهت تداوم توسعه می‌باشد لذا هر نوع بحران امنیتی در این منطقه به نوعی تهدید به منافع این دو بازیگر محسوب می‌شود.

۱. در بعضی منابع منظور از غرب آسیا منطقه‌ای است شامل سرزمین‌های میان دریای مدیترانه و خلیج فارس که در جنوب خاوری اروپا، جنوب باختری آسیا و شمال افریقا قرار دارد. این منطقه شامل کشورهای ایران، شش کشور عربی حاشیه خلیج فارس، فلسطین، اردن، سوریه، لبنان و مصر می‌شود. در بعضی منابع دیگر غرب آسیا منطقه وسیعتری را شامل می‌شود که شامل کشورهای آسیای مرکزی، ترکیه و قفقاز نیز می‌شود. این مقاله معنای مبسوط از غرب آسیا را مد نظر قرار داده است.

ایران از جمله بازیگران مهم منطقه است که با داشتن ذخایر عظیم نفت و گاز و موقعیت استراتژیکی ویژه، هم با چین و هم با اتحادیه اروپا روابط گسترده اقتصادی و سیاسی دارد. اگرچه این رابطه تحت تاثیر تحریم‌های امریکا قرار گرفته است ولی حوزه وسیع منافع تعریف شده ایران در این منطقه می‌تواند از سوی بازیگران دیگر تهدید شود. حال این پرسش مطرح می‌شود که منافع اقتصادی چین و اتحادیه اروپا در منطقه غرب آسیا چه تاثیری بر امنیت ملی ایران دارد؟ فرضیه اصلی مقاله این است: از آنجا که چین و اتحادیه اروپا هیچگونه رقابت امنیتی ندارند و در عین حال هر دو از بازیگران مهم اقتصادی در سطح جهانی هستند، در فضای تحریم‌های گسترده امریکا علیه ایران، تلاقی منافع این دو قدرت فرامنطقه‌ای در غرب آسیا و همسویی آن با منافع قدرت‌های رقیب منطقه‌ای ایران، چالشی برای امنیت ملی ایران خواهد بود. این مقاله می‌کوشد به روشی تطبیقی بر مبنای مکتب امنیتی کینهاک، با چشم‌انداز مقایسه‌ای میان قدرت‌های رقیب منطقه (ایران، عربستان، ترکیه و اسرائیل) به این پرسش پاسخ دهد.

اگرچه مقالات متعددی در مورد بازیگری چین و اتحادیه اروپا در منطقه غرب آسیا به نگارش درآمده است اما این مقاله در دو زمینه با مقالات قبلی متفاوت است: نخست اینکه مقاله بر سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۹ متمرکز است در حالی که دیگر مقالات این دوره زمانی را شامل نمی‌شوند و علت اصلی انتخاب این دو سال برای مطالعه در مقاله، از یک سو پرهیز از تکرار مطالعات انجام شده است و از سوی دیگر در نظر گرفتن متغیر تحریم‌های جدید و همه‌جانبه امریکا می‌باشد. دوم مقاله با نگاه اقتصادی - سیاسی با رویکردی تطبیقی به امنیت ایران تحت تاثیر بازیگری چین و اتحادیه اروپا به طور همزمان در منطقه غرب آسیا می‌باشد، در حالی که دیگر مقالات این نگاه تطبیقی را ندارند.

چارچوب نظری: مکتب امنیتی کینهاک

نگاه مدرن به مفهوم امنیت، ایجابی و چند بعدی است. این نوع نگاه نتیجه منطقی تشکیل دولت مدرن بر مبنای مفهوم حاکمیت است که اقتدار در چارچوب مرزهای ملی و استقلال در روابط خارجی را معنادار ساخته است. در عرصه داخلی و جهانی، زمانی امنیت دولت معنا می‌یابد که دارای قدرت برتر باشد. در گفتمان مدرن امنیت ملی، وجه نرم‌افزاری امنیت به جنبه سخت‌افزاری آن افزوده می‌شود. مفهوم مدرن امنیت ملی جنبه

ایجابی و تاسیس دارد. در نگاه مدرن به امنیت؛ حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، محیط زیستی و نظامی مورد توجه قرار می‌گیرد.

مکتب کپنهاک با دو چهره برجسته بری بوزان و آل ویور، امنیت را امری واقعی و عینی قلمداد می‌کند. بری بوزان امنیت را مسأله‌ای بین ذهنی مبتنی بر تصمیم بازیگران می‌داند. لذا امکان برداشت‌های مختلف از یک موضوع خاص وجود دارد. برداشت هر بازیگر از دیگر بازیگران در مورد امنیتی ساختن اهمیت دارد زیرا بر نوع تصمیم و پاسخ دو طرف تأثیر می‌گذارد. بری بوزان امنیت ملی را مرکز ثقل امنیت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌داند (Kymlicka, 2002: 30).

در نگاه مکتب کپنهاک، سرمشق امنیت ملت‌ها یکسان نیست و هر منطقه سرشت خاص خود را دارد و نمی‌توان ویژگی‌های امنیتی یک منطقه را به منطقه دیگر تعمیم داد زیرا امنیت یک مقوله ذهنی و برآمده از برداشت شهروندان جوامع همان منطقه است. به همین سبب از مفهوم امنیت خاورمیانه، امنیت اروپا، امنیت جهان سوم، امنیت امریکا و ... صحبت می‌کنند (نصری، ۱۳۹۰: ۱۵۳). اما دولت همچنان مهمترین بازیگر است. به‌طور کلی این مکتب معتقد است، امنیت عرصه‌ای است که در آن بازیگران مختلفی به رقابت مشغولند ولی هنوز دولت بازیگر ممتاز این عرصه است، زیرا هم از دیرباز وظایف امنیتی را بر عهده داشته و هم ساختار مناسب این مقصود را دارد. اما در کنار این نگاه، نظریه‌پردازان آن به امنیت افراد و گروه‌ها نیز توجه کرده‌اند (Buzan & Waever, 2003: 55).

بری بوزان واضح نظریه «مجموعه‌های منطقه‌ای» در روابط بین‌الملل است. وی جهان را به هفت منطقه جداگانه تقسیم می‌کند و بیان می‌دارد که هر منطقه فرمول امنیتی ویژه خود را دارد و شیوه حل منازعه قابل تعمیم میان مناطق نیست. خاورمیانه نیز از جمله مناطق هفتگانه مد نظر بری بوزان است که فرمول ویژه امنیتی خاص خود را دارد. بر اساس نظر بوزان، هر منطقه دارای شاخص‌هایی است که عامل نزدیکی کشورهای منطقه به یکدیگر می‌شود. برای مثال بر مبنای شاخص‌های خاص جغرافیایی و ژئوپلیتیکی کنار هم جمع می‌شوند، در حالی که بر مبنای جغرافیا بهم شباهت دارند و دیگر موارد شباهتی میان آنها وجود ندارد (نصری، ۱۳۸۹: ۲۲).

دو عامل در اندیشه بوزان باعث بوجود آمدن خوشه‌های منطقه‌ای می‌شود: هویت و همجواری جغرافیایی.

تبار تاریخی باعث می‌شود که ملت‌ها از ذهنیت ویژه برخوردار باشند و این خودآگاهی تاریخی ضمانت امنیتی مهمی است که مانع از نفی هویت کشور و الحاق آن به بازیگر توسعه‌طلب می‌شود. بری بوزان بر این باور است که در منطقه خاورمیانه؛ دوستی یک بازیگر با بازیگر دیگر، متضمن خصومت با بازیگر دیگر است. برای مثال نزدیکی ایران به عربستان منجر به طرد اسرائیل می‌شود. پس در این منطقه هر حرکتی متضمن بازتابی ضدامنیتی است. بنابراین تصمیم کشورهای منطقه به ارتقای امنیت خودشان، تولید ناامنی علیه کشور دیگر می‌کند که علت این امر مدت، شدت و تنوع خصومت بین بازیگران منطقه است (نصری، ۱۳۸۹: ۲۴).

بوزان معتقد است قدرت‌های بین‌المللی از سه طریق ۱- عرضه سلاح و تدارک اقتدار دیپلماتیک برای بعضی کشورهای منطقه، ۲- مداخله غیرمستقیم در اختلاف بین واحدهای سیاسی و ۳- تهدید و عملیات مستقیم علیه کشورها در امور این منطقه دخالت می‌کنند (بوزان، ۱۳۸۷: ۲۱۶). به این ترتیب عامل خارجی نقش مهمی در افزایش اختلافات در منطقه دارد.

منطقه غرب آسیا از جمله مناطقی است که نه تنها عامل یکپارچگی میان کشورهای درون آن کم‌رنگ است بلکه حضور قدرت‌های خارج از منطقه همچون آمریکا، کشورهای اروپایی، چین، ژاپن و هند در آن زمینه کاهش امنیت را فراهم ساخته است. این مقاله بر این مبنا با توجه به یارگیری منطقه‌ای چین و اتحادیه اروپا درصدد است به این درک برسد که نزدیکی و مشابهت منافع چین و اتحادیه اروپا در سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و روابط توسعه یافته نظامی و استراتژیکی با کشورهای رقیب ایران همچون عربستان، امارات، اسرائیل و ترکیه چگونه بعنوان یک اقدام علیه امنیت ملی ایران تعریف می‌شود. از آنجا که مکتب کپنهاگ، امنیت را تنها در بعد سیاسی تعریف نمی‌کند و مجموعه امنیتی منطقه را مد نظر قرار می‌دهد لذا مقاله با در نظر گرفتن این شاخص‌ها می‌کوشد تا با درک ملاحظات اقتصادی- نظامی چین و اتحادیه اروپا در غرب آسیا بعنوان قدرت‌های بین‌المللی نشان دهد که چگونه تامین تسلیحاتی دول رقیب ایران عامل تشدید رقابت تسلیحاتی و در نتیجه نوعی تهدید به امنیت ملی ایران تعریف می‌شود.

منافع اقتصادی چین در غرب آسیا

الف- انرژی

از نگاه بری بوزان امنیت در شکل اقتصادی به معنای حفظ و ارتقای شیوه زندگی مردم یک جامعه از طریق تامین کالاها و خدمات (در بعد داخلی و بین‌المللی) است. اقتصاد چین که در دهه‌های اخیر به شدت توسعه یافته است تا حد بسیار زیادی نیازمند تامین انرژی برای تولید در سطح جهانی است. اگرچه چین در بعضی از منابع انرژی مانند نفت شیل رتبه‌های جهانی دارد اما به معنای بی‌نیازی اقتصاد این کشور به منابع انرژی در جهان نیست. چین یکی از بزرگترین تولید کنندگان نفت شیل^۱ در جهان است و حدود ۳۲۸ میلیارد بشکه ذخایر نفت شیل دارد. در چین حدود ۸۰ معدن نفت شیل معروف وجود دارد که مهمترین آنها فوشان- موامینگ^۲ است. شورای جهانی انرژی^۳ در سال ۲۰۱۴ اعلام داشت که چین سالانه ۲۱۵ میلیون تن نفت تولید می‌کند و دارای ۲/۵۲ میلیارد تن ذخایر قابل بازیافت نفت است.

اما از آنجا که چین یک قدرت اقتصادی بزرگ در جهان است نخستین وارد کننده نفت خام در جهان شناخته می‌شود به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۷ به میزان ۸/۴ میلیون بشکه و در سال ۲۰۱۸، ۹/۲ میلیون بشکه در روز نفت خام وارد کرده است (Geeraerts, 2019: 281-294). این در حالی است که واردات نفت خام چین در سال ۲۰۱۹ به میزان ۱۰/۱۲ میلیون بشکه در روز می‌رسد که رکورد واردات نفت خام را طی هفده سال قبل به نام خود ثبت می‌کند (Wang, 2020: 198). در حقیقت میزان واردات عظیم چین متناسب با مصرف این کشور می‌باشد. ۴۳ کشور در سال ۲۰۱۹ تامین کننده نفت خام چین بوده‌اند. جدول ۱ نشانگر حجم و میزان نفت وارداتی چین از چهارده کشور جهان در سال ۲۰۱۹ می‌باشد. شایان توجه است که در سال ۲۰۱۹ ارزش واحد پولی چین در مقابل دلار، ۱۰ درصد کاهش یافت و در نتیجه چین نفت را گرانتر می‌خرد.

-
1. Shale Oil
 2. Fushun – Moaming
 3. World Energy Council

جدول ۱- مهمترین صادرکنندگان نفت به چین در سال ۲۰۱۹

ردیف	کشور	درصد از کل	میلیارد دلار	ردیف	کشور	درصد از کل	میلیارد دلار
۱	عربستان	۱۶/۸	۴۰/۱	۸	امارات	۳/۱	۷/۳
۲	روسیه	۱۵/۳	۳۶/۵	۹	ایران	۳	۷/۱
۳	عراق	۹/۹	۲۳/۷	۱۰	انگلستان	۲/۷	۶/۳
۴	آنگولا	۹/۵	۲۲/۷	۱۱	کنگو	۲/۳	۵/۵۴
۵	برزیل	۷/۸	۱۸/۵	۱۲	مالزی	۲/۳	۵/۵
۶	عمان	۶/۹	۱۶/۴	۱۳	لیبی	۲	۴/۸
۷	کویت	۴/۵	۱۰/۸	۱۴	ونزوئلا	۱/۹	۴/۴

See: <http://www.worldstopexports.com/>

مقایسه داده‌های مربوط به واردات نفت خام چین در سال ۲۰۱۸ با ۲۰۱۹ حکایت از آن دارد که واردات نفت چین از کشورهای انگلستان (۴۴/۳)، عربستان (۳۵/۱)، برزیل (۱۴/۱)، مالزی (۱۳/۸)، امارات (۹/۵)، کلمبیا (۷/۶)، عراق (۵/۹) و لیبی (۰/۵) درصد افزایش داشته است در حالی که از کشورهای روسیه (۳/۷)، عمان (۵/۴)، آنگولا (۸/۷)، کویت (۹/۳)، کنگو (۱۲/۹)، ونزوئلا (۳۶/۶) و ایران (۵۲/۹) درصد کاهش داشته است.^۱ علاوه بر واردات نفت خام، اقتصاد رو به رشد چین و سیاست‌های سختگیرانه این کشور در مورد محیط زیست، منجر به افزایش مصرف گاز طبیعی در این کشور شده است. این سیاست‌ها باعث شده است که مصرف گاز طبیعی چین در سال ۲۰۱۸ به ۲۷ میلیون متر مکعب برسد که نسبت به سال ۲۰۱۷ رشد ۱۰ درصدی داشته است و قسمت اعظم گاز وارداتی برای مصارف صنعتی، خانگی و تولید برق استفاده شده است. این در حالی است که تولید گاز در چین ۱۶۰/۳۰ میلیارد متر مکعب است و نسبت به مصرف ۸/۳۰ درصد کمتر می‌باشد (Liebenberg, 2020: 189). با وجود اینکه چین در سال ۲۰۱۴، ششمین تولیدکننده گاز طبیعی در جهان بود (Worldenergy, 2017) و در سال ۲۰۱۵، شرکت CNPC مقدار ۱۶۳.۵۳ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی موجود در حوضه سیچوان^۲ را کشف کرد و بعدها ذخایر قابل بازیافت گاز چین ۳/۴۶ هزار میلیون تن تخمین زده شد (Worldenergy, 2017). اما در سال ۲۰۱۸ تبدیل به بزرگترین واردکننده گاز در

1. www.worldstopexports.com

2. Sichuan

جهان شد و ژاپن را پشت سر گذاشت. در این سال میزان واردات LNG با ۴۱ درصد افزایش به ۵۳/۷۸ و در ابتدای سال ۲۰۱۹ به ۶۶/۹۵ میلیون تن رسید. از جمله مهمترین شرکت‌های تامین کننده گاز چین در سال ۲۰۱۸ می‌توان به پتروناس^۱، اگزون موبیل^۲ و قطرگس^۳ اشاره داشت (Liebenberg, 2020: 189). با افتتاح سه خط لوله گازی مهم شامل Pipeline Erdos-Anping-Zhangzhou Gas فاز اول، خط لوله شاخه چین - میانمار Chuxiong-Panzhuhua، خط لوله چین - روسیه China-Russia East، خط لوله Qianjiang-Shaoguan، در حال حاضر چین بیش از ۷۶ هزار کیلومتر خط لوله گازی دارد (Liebenberg, 2020: 189).

روند رو به گسترش استفاده از انرژی‌های فسیلی از نگاه رهبران چین یک پاشنه آشیل یا نوعی تهدید در نظام توزیع قدرت بین‌المللی تعریف می‌شود چرا که چین همواره به این مساله توجه دارد که هر نوع اختلال در روند واردات انرژی به دلیل اختلافات منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند تهدیدی به امنیت اقتصادی این کشور باشد. با توجه به اینکه منطقه غرب آسیا هم به لحاظ دارا بودن قسمت اعظم منابع انرژی جهان و هم به لحاظ اینکه تامین کننده مهم انرژی مورد نیاز چین است، حفظ امنیت جریان انرژی در این منطقه برای چین از اهمیت بسیاری برخوردار است.

اگرچه تحریم‌های آمریکا علت اصلی سقوط ۵۲/۹ درصدی واردات نفت خام چین از ایران در مقابل افزایش ۳۵/۱ درصدی واردات نفت خام از عربستان می‌باشد اما این مساله نزد کارگزار سیاست خارجی ایران به معنای تفاوت معنادار در وابستگی متقابل امنیتی است که در شکل طبیعی خود تبدیل به الگوی دسته‌بندی منطقه‌ای مجموعه امنیتی شده است. این پدیده نمود عینی ایده اصلی نظریه رفتار منطقه‌ای امنیت نزد بری بوزان است که انتقال تهدیدات در فواصل کوتاه‌تر را به مراتب راحت‌تر از انتقال آن در فواصل طولانی و زمینه‌ساز تغییر دسته‌بندی منطقه‌ای می‌دانست.

1. Petroliam Nasional Berhad (PETRONAS)
2. Exxon Mobil
3. Qatar Gas

ب- سرمایه‌گذاری‌ها

اگرچه واردات میزان قابل توجهی از انرژی توسط چین از کشورهای غرب آسیا تعجب برانگیز نیست اما ایجاد تعادل اقتصادی از طریق صادرات و سرمایه‌گذاری اقتصادی چین در کشورهای غرب آسیا برای جهان قابل تامل است. روابط چین با کشورهای این منطقه به طور کامل بر مساله اقتصاد متمرکز است. در حالی که کشورهای حاشیه خلیج فارس به دنبال راه‌هایی برای رهایی از وابستگی به اقتصاد نفت هستند سرمایه‌گذاری‌های چین در این کشورها به مانند یک راه نجات عمل کرده است. داده‌های مربوط به سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد که چین در امارات حدود ۱۰ میلیارد دلار (برای پروژه‌های صنعتی گل‌های قرمز و زباله آلومینا^۱)، در کویت به میزان ۴۵۰ میلیارد دلار (برای دو مگا پروژه یا پروژه قرن شامل شهر ابریشم و توسعه بویان^۲)، در بحرین ۵۰ میلیون دلار (بر مبنای ۸ قرارداد همکاری در زمینه تکنولوژی و حمل و نقل^۳) و در عمان ۹/۷ میلیارد دلار^۴ (برای سرمایه‌گذاری در پارک صنعتی الدقم^۵) سرمایه‌گذاری کرده است. جدول ۲ به صورت تطبیقی سرمایه‌گذاری‌های چین را در قدرت‌های رقیب منطقه‌ای ایران در سال ۲۰۱۹ نشان می‌دهد.

جدول ۲- سرمایه‌گذاری‌های چین در قدرت‌های منطقه‌ای رقیب ایران (۲۰۱۹)

کشور	نوع سرمایه‌گذاری	میزان سرمایه‌گذاری
عربستان ^۶	قرارداد همکاری اقتصادی (۳۵ قرارداد اقتصادی)	۲۸ میلیارد دلار
ترکیه ^۷	سرمایه‌گذاری در بخش ساخت و ساز مسکن	۲/۸ میلیارد دلار
اسرائیل ^۸	در بخش تکنولوژی	۳۲۵ میلیون دلار

1. <https://www.ft.com/content/1c93d350-7e2c-11e9-81d2-f785092ab560>
2. <https://www.constructionweekonline.com/projects-tenders/169426-china-eyes-share-of-kuwaits-450bn-silk-city-boubyan-island-projects>
3. see: <https://www.arabianbusiness.com/banking-finance/433812-50m-bahrain-china-fund-to-target-technology-investments>
4. see: http://www.xinhuanet.com/english/2018-12/19/c_137683272.htm
5. Duqm
6. <https://www.reuters.com/article/us-asia-saudi-china-deals/saudi-china-sign-28-billion-worth-of-economic-accords>
7. <https://www.dailysabah.com/economy/2019/03/28/china-aims-to-double-investments-in-turkey-to-6-billion-by-2021>
8. <https://www.reuters.com/article/us-israel-investment-panel/with-eye-to-china-israel-forms-panel-to-vet-foreign-investments-idUSKBN1X926T>

* توجه: در سال ۲۰۱۹ چین در ایران و قطر سرمایه‌گذاری نداشته است.

در فاصله زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹ چین در کشورهای همسایه ایران به میزان ۵۶/۳۳ میلیارد دلار در پاکستان، ۳/۴۸ میلیارد دلار در افغانستان، ۶/۸ میلیارد دلار در ترکمنستان، ۱/۹۲ میلیارد دلار در آذربایجان، ۱۵/۹۶ میلیارد دلار در ترکیه، ۲۳/۹۵ میلیارد دلار در عراق، ۴۱/۱۶ میلیارد دلار در عربستان و ۳۴/۷ میلیارد دلار در امارات متحده عربی سرمایه‌گذاری کرده است. این در حالی است که مجموع سرمایه‌گذاری چین در ایران در فاصله زمانی مذکور به ۲۶/۹۲ میلیارد دلار رسیده است (Almomani, 2020: 12). در حالی که سرمایه‌گذاری‌های چین در کشورهای غرب آسیا به خصوص قدرت‌های رقیب منطقه‌ای ایران همواره ادامه یافته است؛ به دلیل تحریم‌های آمریکا، چین در ایران در سال‌های ۲۰۱۸-۲۰۱۹ هیچ سرمایه‌گذاری نداشته است.

در سال‌های اخیر شرکت‌های ساخت‌وساز چینی نقش فزاینده‌ای در گسترش زیرساخت‌های سعودی ایفا می‌کنند و در مقابل عربستان نیز تمایل بسیاری به ساخت پالایشگاه‌ها و تاسیسات تولید محصولات پتروشیمی در چین دارد. در امارات نیز بیش از دو هزار شهروند چینی مشغول فعالیت‌های تجاری و اقتصادی هستند به گونه‌ای که بندر دویی فرصت بسیار مناسبی را برای تجار چینی جهت دسترسی آسان به بازارهای منطقه فراهم می‌آورد (Liu, 2020: 1-28). در ترکیه نیز هشت هزار نفر و هزار شرکت چینی در بخش‌های مختلف به فعالیت اقتصادی مشغول هستند. در اسرائیل نیز نزدیک به دو هزار کارگر چینی در بخش ساختمان مشغول به فعالیت می‌باشند (Efron, 2020: 18-22). این در حالی است که تعداد شرکت‌ها و حتی افراد چینی فعال در ایران بسیار اندک می‌باشد و حتی آمار دقیقی در این زمینه وجود ندارد.

سطح نازل سرمایه‌گذاری چین در ایران به نسبت سطح قابل توجه سرمایه‌گذاری‌های این کشور در سایر کشورهای غرب آسیا، یک موضوع امنیتی معطوف به ثبات کلی، رشد و توسعه اقتصادی از سوی ایران تعریف می‌شود. لذا به خاطر درآمیختگی بحث اقتصاد با مسائل سیاسی-اجتماعی، امنیت (و بر هم خوردن آن به واسطه عدم تعادل در میزان و حجم حضور چین در بازارهای مالی ایران در مقایسه با بازارهای منطقه) نزد دولت ایران به مانند آنچه بوزان ایجابی می‌نگرد، پررنگ‌تر می‌شود.

پ- واردات و صادرات

نگاهی به داده‌های سال ۲۰۱۸-۲۰۱۹ نشان می‌دهد که چین از جمله شرکای مهم اقتصادی کشورهای منطقه از لحاظ واردات و صادرات است.

جدول ۳- شرکای تجاری قدرت‌های منطقه‌ای رقیب

کشور	مقاصد صادرات	مقاصد واردات
عربستان	امارات، چین، هند	چین، آمریکا، امارات
ترکیه	آلمان، انگلیس، ایتالیا	روسیه، چین، آلمان
اسرائیل	آمریکا، چین، انگلیس	چین، آمریکا، ترکیه
ایران*	چین، امارات، عراق	چین، امارات، کره جنوبی

* توجه: اطلاعات مربوط به شرکای تجاری ایران متعلق به سال ۲۰۱۷ است. بخاطر تحریم‌های آمریکا برای سال‌های بعد اطلاعاتی موجود نیست.

See: nordeatrade.com

اطلاعات جدول ۳ نشان می‌دهد که چین جزء شرکای اصلی تجاری اکثر کشورهای منطقه است. در حال حاضر چین یکی از بزرگترین شرکای تجاری عربستان محسوب می‌شود. به طور متوسط در طول چند سال اخیر تجارت بین دو کشور، سالانه رشدی معادل ۳۲ درصد داشته است به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۸ به رقم ۶۱/۴ میلیارد دلار رسید. عمده محصولات چینی که به عربستان صادر می‌شود شامل ماشین‌آلات ساختمانی، کشتی، تجهیزات تولیدی، فولاد، محصولات الکترونیکی، منسوجات، پوشاک و لوازم خانگی است. در عین حال استفاده از وسایل نقلیه مسافربری و کامیون‌های چینی در عربستان رواج یافته است. در حالی که عمده محصولات صادراتی عربستان به چین؛ نفت خام، محصولات پتروشیمی و کود است اما محصولاتی مانند سنگ معدن، روغن زیتون نیز از عربستان به چین صادر می‌شود (Fulton, 2020: 362-383).

همانطور که جدول ۳ نشان می‌دهد چین از شرکای تجاری اصلی اسرائیل محسوب می‌شود. در حالی که روابط چین-اسرائیل بعد از سال ۲۰۰۰ به شدت گسترش یافته است اما از سال ۲۰۱۷ شاهد افزایش چشمگیر روابط این دو شریک در عرصه‌های مختلف هستیم، به طوری که میزان صادرات اسرائیل به چین در سال ۲۰۱۹ دو برابر صادرات سال ۲۰۱۸ بوده است و به رقم ۴/۷ میلیارد دلار رسیده است. این رقم تجاری به استثنای ارزش صادرات الماس از اسرائیل به چین است (Efron, 2020: 18-22). همچنین

سرمایه‌گذاری چین در بازه زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ میلادی در اسرائیل ۱۰ برابر افزایش داشته و به مبلغی بیش از ۱۶ میلیارد دلار رسیده است. شرکت‌های چینی با جدیت در بخش‌های زیرساختی اسرائیل از قبیل ساخت مترو، گسترش تاسیسات در بندر اشدود و حیفا مشغول به فعالیت هستند (Liu, 2020: 1-28).

چین از جمله مقاصد مهم وارداتی ترکیه نیز محسوب می‌شود. ارزش تجارت دو طرفه چین - ترکیه در سال ۲۰۱۸ به ۲۳/۶ میلیارد دلار رسید (Wu, 2020: 599-612) و در سال ۲۰۱۹ ارزش صادرات ترکیه به چین ۱/۸۹ میلیارد دلار و واردات از چین به ۱۳/۲۲ میلیارد دلار رسید. اگرچه کسری قابل توجهی میان صادرات و واردات ترکیه به/از چین وجود دارد اما تجار ترکیه به بازار چین امید بسیار دارند به گونه‌ای که در سال ۲۰۱۹ صادرات فن‌دوق و محصولات آن به چین با رشد ۱۰۷ درصدی نسبت به ۲۰۱۸ به ارزش ۷۱ میلیون دلار رسید. در همین سال ارزش صادرات میوه و سبزیجات به ۲۵ میلیون دلار و ارزش صادرات مواد غذایی دریایی به چین به ۲۹ میلیون دلار رسید (Efron, 2020: 18-22).

در حالی که چین در سال‌های اخیر به طور پیوسته شریک تجاری مهم سه قدرت رقیب منطقه‌ای ایران (عربستان - ترکیه - اسرائیل) بوده است، بخاطر تحریم‌های امریکا در بازار ایران نتوانسته است جذابیت قابل توجهی برای خود تعریف کند. اگر بپذیریم که امنیت، یک موضوع مرجع است و همان‌طور که بوزان معتقد است به این معنا می‌باشد که چه چیزی یا چه کسی را ایمن می‌سازد و یک مساله بین‌ذهنی مبتنی بر تصمیم بازیگران است، برداشت و ارزیابی ایران از این مساله اهمیت بسیار می‌یابد زیرا این برداشت بر نوع تصمیم‌گیری و پاسخ‌ها موثر است. ایران کاهش روابط دوجانبه با چین را در ابعاد مختلف به خاطر مساله تحریم‌های امریکا که از سوی رقبای منطقه‌ای اش حمایت می‌شود، تهدید تلقی می‌کند و علت اصلی آن، برداشت دولت ایران از سیستم بین‌الملل است که آن را تابعی از شیوه قدرت در سطح منطقه‌ای تفسیر می‌کند و در منظومه قدرت جهانی این منطقه دارای اهمیت ژئوپلیتیکی است، اما حالت سیال ژئوپلیتیک منطقه غرب آسیا و تحریم‌های امریکا در سال‌های اخیر احساس تنهایی استراتژیک را به دولت ایران منتقل ساخته است، لذا وابستگی متقابل اقتصادی میان ایران - چین می‌بایست در حالت تعادل با وابستگی متقابل اقتصادی چین با قدرت‌های رقیب منطقه‌ای ایران باشد.

ت- پروژه یک کمربند- یک راه^۱

در اکتبر ۲۰۱۳ رییس جمهور چین ایده «یک کمربند- یک جاده» را مطرح کرد. این طرح چین را به سمت پروژه‌های زیربنایی در ۶۰ کشور هدایت می‌کند. به طور دقیق هدف ایجاد کمربند اقتصادی این است که کشورهایی که در مسیر جاده ابریشم قرار دارند در سرتاسر آسیای مرکزی، غرب آسیا و سراسر اروپا را در برگیرد. از طریق این طرح، چین در تلاش برای دستیابی به سه هدف است: ۱- امیدوار است تا اقتصاد شرکای تجاری را تحریک کند تا تقاضا برای صادرات خود را افزایش دهد؛ ۲- امیدوار به ایجاد یک مسیر زمینی برای کالاهای خود و ایجاد تعادل اقتصادی در شهرهای بندری در ساحل شرقی به سمت استان‌های غربی و جنوبی محروم خود می‌باشد و ۳- کاهش وابستگی چین به تنگه مالاکا^۲ که از طریق آن ۸۰ درصد نفت وارداتی‌اش تأمین می‌شود (Алдабек, 2020: 4-13).

در صورتی که تنش‌ها در دریای جنوبی چین تشدید شود چین در محاصره قرار می‌گیرد و اقتصاد آن فلج می‌شود. بنابراین در قلب سه قاره، منطقه غرب آسیا یک عنصر ضروری و استراتژیک برای چین است. برای این منظور چین با اعطای ۴۰ میلیارد دلار به صندوق جاده ابریشم^۳ و ۱۰۰ میلیارد دلار به بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی^۴ سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیربنایی کشورهای شریک را گسترش داد (Алдабек, 2020: 4-13).

روابط چین در غرب آسیا یکی از مؤلفه‌های مهم شبکه مشارکت جهانی این کشور است. این روابط در سراسر مدیترانه شرقی، خلیج فارس، مغرب و دریای سرخ گسترش یافته است و بر اساس اهمیت کشورها آنها را در چهار دسته گسترده قرار می‌دهد. دسته اول شامل مشارکت‌های استراتژیک جامع با الجزایر، مصر، ایران، عربستان سعودی و امارات است. دسته دوم شامل یک مشارکت نوآوری جامع با اسرائیل و یک رابطه تعاونی استراتژیک با ترکیه است. سومین همکاری‌های استراتژیک با چندین کشور متوسط عراق، مراکش و سودان را شامل می‌شود. دسته چهارم شامل همکاری‌های

1. One Belt One Road
2. Strait of Malacca
3. New Silk Road Fund
4. Asian Infrastructure Investment Bank

استراتژیک با کشورهای کوچکتر مانند جیبوتی، اردن، کویت، عمان و قطر است. خلیج فارس نقطه اصلی مشارکت‌های استراتژیک چین است زیرا منافع قابل توجه چینی در آنجا وجود دارد (Blanchard, 2020: 159-174).

فروش تسلیحات نظامی

پس از امریکا و روسیه، چین سومین صادر کننده بزرگ تسلیحات نظامی در جهان محسوب می‌شود. در غرب آسیا چین در مقام پانزدهم و امریکا در مقام اول صادرات تسلیحات به کشورهای این منطقه قرار دارند. از آنجایی که چین تمرکز اصلی خود را بر رویکرد اقتصادی قرار داده است کشورهای این منطقه در خریدهای نظامی، این کشور را به عنوان Plan B تعریف می‌کنند به این معنا که پس امریکا و کشورهای اروپایی همچون انگلیس و فرانسه در صدد خرید از چین بر می‌آیند. نکته اساسی دیگر در فروش تسلیحات چینی به کشورهای این منطقه آن است که بر خلاف آمریکا و روسیه که در فروش تسلیحات بر اهداف سیاسی متمرکز می‌شوند، چین بر اهداف تجاری و اقتصادی متمرکز است. به طور کلی چین غرب آسیا را بعنوان یک بازار جدید برای سلاح‌های تولیدی خود که دارای تکنولوژی بالا اما ارزان قیمت هستند، می‌بیند (Ahn, 2020: 203-235).

سیاستگذاری پکن در مورد روابط چین و دنیای عرب که در سال ۲۰۱۶ منتشر شد گویای آن بود که این کشور خواهان روابط جدید بر مبنای همکاری و استراتژی برد-برد با دنیای عرب است. این سند روابط جدید چین با دنیای عرب را مبتنی بر اصول احترام متقابل به حاکمیت، تمامیت ارضی، عدم تجاوز، عدم دخالت، همزیستی مسالمت‌آمیز می‌داند. فروش تسلیحات نیز به جهان عرب بر سه اصل پایه‌گذاری شد: تقویت توان دفاعی کشور خریدار، عدم آسیب رساندن به صلح جهانی و عدم دخالت در امور داخلی سایر کشورها. اگرچه چین جزء ده کشور برتر فروش سلاح در جهان محسوب می‌شود اما بزرگترین بازار فروش تسلیحات این کشور در میان کشورهای بنگلادش، پاکستان و میانمار است و در میان کشورهای عرب غرب آسیا همچنان برتری فروش سلاح‌های مختلف متعلق به امریکا است (Ahn, 2020: 203-235).

در حقیقت مبادلات تسلیحاتی یکی دیگر از متغیرهای اصلی شکل‌دهی به منافع اقتصادی چین در منطقه غرب آسیا است. این مبادلات از اواخر دهه ۱۹۷۰ روند افزایشی به خود گرفت و بتدریج چین را به یکی از تامین کنندگان اصلی تسلیحات مورد نیاز کشورهای این منطقه بویژه کشورهای بزرگ آن تبدیل کرد، البته مبادلات تسلیحاتی چین با این منطقه کاملاً یک‌سویه نیست، زیرا این کشور به دلیل تحریم تسلیحاتی از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا، بخشی از نیازهای تسلیحاتی خود بویژه در زمینه سلاح‌هایی با فناوری بسیار پیشرفته را از اسرائیل تامین می‌کند که این موضوع با انتقاد شدید آمریکا مواجه شده است.

بخش عمده صادرات تسلیحات نظامی چین به کشورهای منطقه که معادل ۸.۸ میلیارد دلار بوده مربوط به دهه ۱۹۸۰ میلادی است، آن هم در شرایطی که ایران و عراق در جنگ بوده‌اند. در دهه ۱۹۹۰ میلادی پس از پایان جنگ سرد، صادرات تسلیحات نظامی چین به غرب آسیا به کمتر از ۱.۸ میلیارد دلار رسیده است که بیشترین سهم را ایران در اختیار داشته است. این روند نزولی در دهه نخست قرن ۲۱ نیز ادامه داشته و به کمتر از ۱.۴ میلیارد دلار رسیده است. بیشترین حجم صادرات تسلیحات چین نیز در این مدت به ایران و مصر بوده است. ارزش صادرات نظامی چین به غرب آسیا طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ میلادی به ۴۶۸ میلیارد دلار رسیده است که معادل ۳.۷ درصد کل صادرات تسلیحاتی چین به کشورهای جهان بوده است. صادرات تسلیحات نظامی چین به غرب آسیا در این مدت ۶.۱ میلیارد دلار بوده است (Zhenhua Lu, 2019).

بر اساس داده‌های پژوهشگاه بین‌المللی صلح استکهلم^۱، غرب آسیا ۳۲ درصد از واردات تسلیحاتی جهان را در دوره ۲۰۱۳-۲۰۱۷ تشکیل می‌دهد. همچنین واردات اسلحه منطقه، ۱۰۳ درصد از دوره ۲۰۰۸-۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳-۲۰۱۷ رشد داشته است زیرا بیشتر کشورها مستقیماً درگیر جنگ‌های خشونت‌آمیز بودند. در همین حال، صادرات تسلیحات چین به غرب آسیا در دوره ۲۰۱۳-۲۰۱۷ طی پنج سال ۳۸ درصد رشد کرد. پاکستان خریدار اصلی سلاح‌های چینی است، اما ملل غرب آسیا نیز به دنبال خرید بیشتر از چین هستند (Teddy Ng and Liu Zhen, 2019).

معاملات تسلیحات چین به طور سنتی بیشتر به اهداف تجاری و نه اهداف سیاسی متمرکز شده است. از سال ۲۰۱۴ چین بیش از ۳۰ فروند هواپیمای بدون سرنشین CH-4 را به کشور عربستان سعودی فروخته است، چین همچنین هواپیمای بدون سرنشین خود Wing Loong II را به امارات متحده عربی و موشک‌های بالستیک خود را به قطر فروخته است. اخیراً امارات متحده عربی به پهپاد Pterosaurs-1 چین که توانایی حمل موشک‌های BA-7 و YZ-212 را دارد ابراز علاقه کرد، در حالی که عربستان سعودی موشک‌های چینی را خریداری کرد و توافقنامه‌ای برای ساخت یک مرکز تولید پهپاد در این کشور امضا کرد (Teddy Ng & Liu Zhen, 2019).

از سال ۲۰۱۰ که ایران تحت تحریم‌های هسته‌ای قرار گرفت عملاً امکان خرید سلاح برایش مقدور نبود ولی به واسطه برجام، این تحریم تسلیحاتی تا اواخر ۲۰۲۰ ادامه خواهد یافت و پس از آن ایران امکان خرید تسلیحات مورد نیاز خود را دارد. روسیه و چین دو گزینه مهم انتخابی ایران در تامین تسلیحاتی هستند. ایران پیش از این سیستم موشکی سطح به هوا، موشک ضد کشتی و قایق‌های موشکی را از چین خریداری کرده بود اما پس از تحریم‌ها، چین از جمله مقاصد اصلی تامین سلاح‌هایی همچون سیستم‌های پیشرفته اسلحه، هواپیماهای جنگنده پیشرفته و تانک‌های اصلی جنگ خواهد بود (Sahrasad & Other, 2020: 576-585).

مساله قابل توجه این است که علی‌رغم خریدهای نظامی عربستان از چین همچون خرید موشک‌های بالستیک میان‌برد دانگ‌فنگ DF-3A و DF-21 و یا برگزاری رزمایش مشترک شمشیر آبی ۲۰۱۹ در جده، عربستان بیشترین خرید تسلیحاتی خود را از امریکا انجام می‌دهد و بعنوان شریک استراتژیک امریکا در منطقه عمل می‌کند به گونه‌ای که به دنبال ترس از رویارویی با ایران، خواهان استقرار سه هزار سرباز امریکایی در کشور خود شد (Sahrasad & Other, 2020: 576-585).

بری بوزان در بررسی ملاحظه امنیتی کشورها، چارچوب ملی و یا جهانی را نارسا می‌داند و معتقد است که کشورها با محیط پیرامون خود در تعامل هستند و امنیت هر یک از دولت‌ها به امنیت همه مربوط است. لذا در تحلیل امنیت منطقه‌ای، می‌بایست به مجموعه امنیتی توجه داشت که اعتماد نسبت به اعضای منطقه یا بدینی آنها به یکدیگر حائز اهمیت است. بر این اساس امکان خرید تسلیحات پیشرفته توسط قدرت‌های رقیب

منطقه‌ای ایران در عین تحریم تسلیحاتی این کشور که خود ایجادکننده نوعی عدم تعادل در ادوات نظامی می‌باشد، از سوی دولت ایران با بدبینی نگریسته می‌شود لذا تعریف این محدودیت بعنوان نوعی تهدید، زمینه‌ساز توجه و تمرکز ایران بر توانایی هسته‌ای می‌شود که این مساله خود دور باطل عدم اطمینان و بدبینی را در منطقه بازتولید می‌کند.

منافع اقتصادی اتحادیه اروپا در غرب آسیا

اتحادیه اروپا بعنوان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای که همجوار با مجموعه امنیتی منطقه‌ای غرب آسیا است همواره نگران تسری بحران‌های منطقه غرب آسیا می‌باشد. بحران سوریه و سیل مهاجران به سمت اروپا نماد این تسری بحران می‌باشد که در سال‌های اخیر رخ داده است. به طور کلی دو مساله تروریسم و مهاجرت از مهمترین نگرانی‌های اتحادیه اروپا است که آن را بعنوان یک تهدید تسری یافته از غرب آسیا می‌بیند. در نگاه اتحادیه اروپا، در میان قدرت‌های منطقه‌ای غرب آسیا تنها ایران است که بواسطه تجربه مشترک دو تهدید تروریسم و مهاجرت گسترده از کشور افغانستان و پاکستان، در عین قربانی تروریسم بودن می‌تواند از پتانسیل‌های امنیتی - سیاسی خود در کشورهای دچار بحران غرب آسیا همچون سوریه به گونه‌ای استفاده کند که میزان آسیب‌پذیری اتحادیه اروپا را در مقابل این تهدیدات کاهش دهد. این مساله در توافق هسته‌ای ایران موسوم به برجام نمود بارزی یافت اما تحریم‌های مجدد امریکا پیگیری همکاری‌های امنیتی ایران و اتحادیه اروپا را با مشکل مواجه ساخت. این انسداد همراه با کم‌رنگ شدن شدید همکاری‌های ایران و اتحادیه اروپا در سایر زمینه‌ها که در ذیل به آن پرداخته می‌شود، منجر به تفسیر بدبینانه از عملکرد و حضور اتحادیه اروپا در منطقه توسط دولت ایران شده است. توسعه تعاملات اقتصادی - نظامی اتحادیه اروپا با رقبای منطقه‌ای ایران، عامل تفسیر متفاوت تهران از الگوی دوستی و دشمنی در منطقه شده است و ایران توسعه روابط اتحادیه اروپا با قدرت‌های منطقه‌ای رقیب را نوعی تهدید به امنیت خود ارزیابی می‌کند که در نتیجه این پیوند بزرگتر نیز شده است.

الف - تامین انرژی

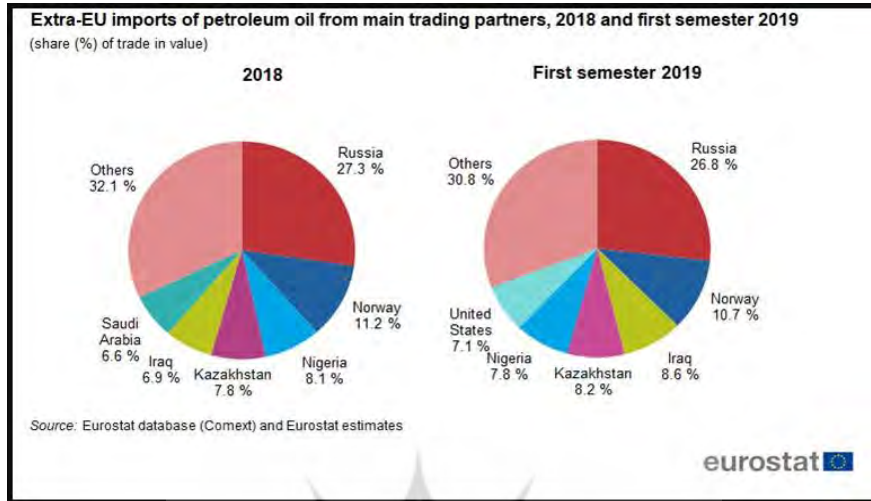
بر اساس پیش‌بینی آژانس بین‌المللی انرژی، تولید نفت خام اتحادیه اروپا با حدود ۵۰ درصد کاهش از ۱/۹۵ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ به ۹۸۴ هزار بشکه در روز در

سال ۲۰۳۰ خواهد رسید. همچنین تقاضای نفت خام این اتحادیه در افق یادشده روندی نزولی خواهد داشت و از ۱۳/۸۶ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ به ۱۰/۱ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۳۰ خواهد رسید؛ به طوری که سهم اتحادیه اروپا از مصرف جهانی نفت خام از ۱۵/۹ درصد به ۱۰/۵ درصد در سال ۲۰۳۰ می‌رسد. با توجه به پیش‌بینی روند تولید و تقاضای نفت خام در افق سال ۲۰۳۰، اختلاف تولید و تقاضای نفت خام اتحادیه از ۱۱/۹ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۱۰ به ۹/۱ میلیون بشکه در روز در سال ۲۰۳۰ کاهش خواهد یافت. اما با توجه به کاهش ۵۰ درصدی تولید، وابستگی ۸۵ درصدی این اتحادیه به نفت وارداتی در سال ۲۰۱۰ به ۹۵ درصد در افق سال ۲۰۳۰ افزایش می‌یابد (World Energy Outlook, IEA, 2019).

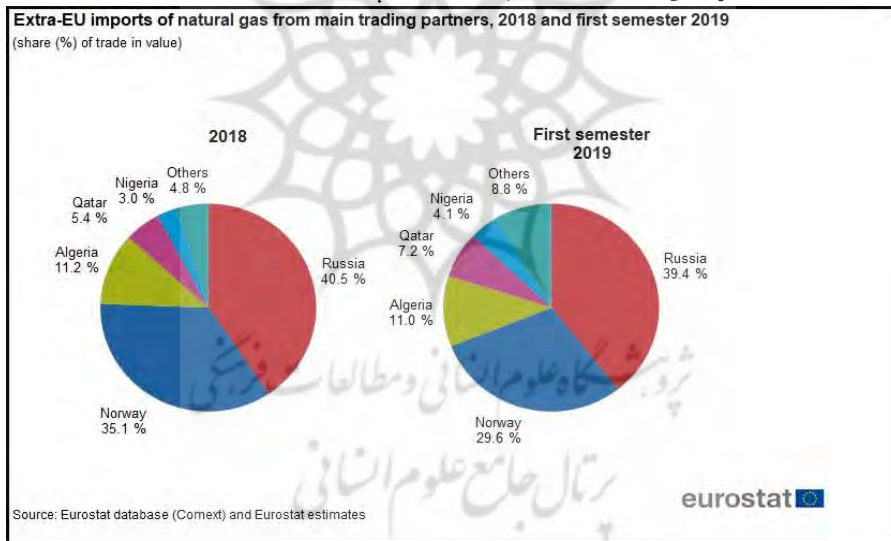
در خصوص گاز طبیعی نیز پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که تولید گاز طبیعی از ۱۷۵ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۱۰ به ۱۱۲ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۳۰ کاهش می‌یابد. در مقابل، تقاضای گاز طبیعی از ۴۹۷ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۱۰ به ۵۹۱ میلیارد متر مکعب در سال ۲۰۳۰ افزایش خواهد یافت. با توجه به پیش‌بینی روند تولید و تقاضای گاز طبیعی، برآورد می‌شود که وابستگی اتحادیه اروپا به گاز وارداتی از رشد قابل توجهی برخوردار بوده و از ۶۵ درصد در سال ۲۰۱۰ به ۸۱ درصد در سال ۲۰۳۰ افزایش یابد. بر این اساس اتحادیه اروپا به شدت به واردات نفت و گاز وابسته است و این وابستگی برای دهه‌های آتی نیز کماکان ادامه خواهد داشت. بنابراین تأمین امنیت انرژی از اولویت‌های آینده این اتحادیه به شمار می‌رود (World Energy outlook, IEA, 2019).

در سال ۲۰۱۹ کشورهای روسیه ۳۹/۴، نروژ ۲۹/۶، الجزیره ۱۱، قطر ۷/۲، نیجریه ۴/۱، امریکا ۳/۴، لیبی ۱/۴ به ترتیب بیشترین میزان نفت مورد نیاز اتحادیه اروپا را تأمین کرده‌اند.

کشورهای صادرکننده نفت به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۹



کشورهای صادرکننده گاز به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۹



در حال حاضر بیشترین واردات نفت خام اتحادیه اروپا از کشورهای روسیه و نروژ است. از نظر واردات گاز طبیعی نیز بیشترین وابستگی اتحادیه اروپا به کشورهای روسیه، نروژ و الجزایر بوده و سهم دیگر کشورها ناچیز است. وابستگی اتحادیه اروپا به واردات انرژی (نفت و گاز) از روسیه و انحصار روسیه بر منابع انرژی آسیای مرکزی و قفقاز این

اتحادیه را بر آن داشته است تا از دیگر منابع جهت تنوع‌بخشی به مراکز واردات انرژی خود بهره‌برد. حتی پس از روی کار آمدن ترامپ در امریکا و مخالفت این کشور با پروژه نورد/استریم ۲، کشورهای اروپایی بویژه آلمان در وضعیت بدتری در زمینه امنیت انرژی قرار گرفته‌اند. بر مبنای پروژه خط لوله نورد استریم ۲، گاز به طور مستقیم از روسیه به آلمان ارسال می‌شود. مخالفت امریکا با نهایی شدن این خط لوله و سرزنش آلمان جهت تامین گاز و وابستگی مضاعف به روسیه از سوی آمریکا منجر به تعلیق این پروژه در آخرین مرحله توسعه خود شده است.

با توجه به نیاز اتحادیه اروپا به انرژی و وابستگی این اتحادیه به روسیه جهت تامین انرژی از یک سو در عین وجود تحریم‌های امریکا از سوی دیگر، تنوع‌بخشی به منابع تامین انرژی برای اتحادیه اروپا اهمیت مضاعف می‌یابد. به طور منطقی منطقه غرب آسیا با توجه به ذخایر عظیم انرژی‌اش اولین جایگزین محسوب می‌شود. اما وجود بحران‌های متعدد در این منطقه که ناامنی می‌آفریند از یک طرف و نداشتن خط لوله جهت ارسال منظم و بلندمدت انرژی به اتحادیه اروپا از طرف دیگر باعث می‌شود که این منطقه همچنان به شیوه سنتی و در نتیجه به میزان اندک نسبت به روسیه تامین کننده انرژی اتحادیه اروپا بماند.

ب- سرمایه‌گذاری‌ها

اتحادیه اروپا پروژه‌ای با عنوان «تقویت قدرت اتحادیه اروپا در منطقه منا»^۱ را در سال‌های اخیر ترسیم و عملیاتی کرده است که هدف آن افزایش نفوذ به منطقه غرب آسیا است و دارای سه مولفه مهم می‌باشد که عبارتند از: (Singh, 2020: 73-90):

* افزایش تأثیرات و ابزارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی اتحادیه اروپا در منطقه در دوره‌های مشخص علمی؛

* دوازده اقدام موثر اتحادیه اروپا در منطقه منا که توسط کارشناسان بومی منطقه طراحی و تنظیم شده‌اند؛

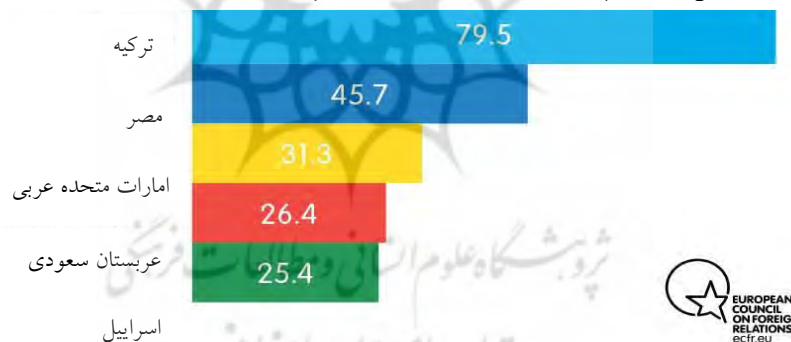
* نظر کارشناسان داخلی اتحادیه اروپا در مورد چگونگی افزایش نفوذ اتحادیه در منطقه منا.

1. Middle East and North Africa

این پروژه نشان می‌دهد که اتحادیه اروپا با تمرکز تلاش‌های خود در مناطق خاص به دنبال افزایش قدرت نفوذ خود در منطقه غرب آسیا است تا با استفاده از اهرم‌های خاص به شیوه‌ای هماهنگ‌تر و استراتژیک بر کشورهای منطقه تاثیر بگذارد، این پروژه نشان می‌دهد که اشتیاق خاصی در بین اعضای اتحادیه اروپا وجود دارد که با اتحاد بیشتر برای محافظت از منافع مهم‌شان در منطقه همکاری کنند. یکی از موارد مهم این همکاری، سرمایه‌گذاری در بخش زیرساخت‌ها و اکتشاف، استخراج و ارسال حامل‌های انرژی است (Singh, 2020: 73-90).

کمیسیون اروپا در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۷ به طور متوسط ۸.۲ میلیارد دلار کمک‌های توسعه و بشردوستانه به کشورهای منطقه کرده است. بانک سرمایه‌گذاری اروپا بین سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ بیش از ۲ میلیارد دلار در سال وام به برخی از این کشورها داده است. در کنار این، سرمایه‌گذاری مستقیم اتحادیه اروپا در منطقه MENA به طور متوسط سالانه در حدود ۲۹۲ میلیارد دلار است (Singh, 2020: 73-90). شکل ۳ میزان سرمایه‌گذاری‌های اتحادیه اروپا را در کشورهای منتخب غرب آسیا نشان می‌دهد.

شکل ۳- حجم سرمایه‌گذاری‌های اتحادیه اروپا (میلیارد دلار آمریکا ۲۰۱۴-۲۰۱۷):



پ- صادرات و واردات

اتحادیه اروپا تنها با حدود هفت درصد از جمعیت جهان، حدود ۲۰ درصد از تجارت جهانی را در اختیار دارد. بیش از ۶۲ درصد کل تجارت اتحادیه اروپا با سایر کشورهای عضو اتحادیه انجام می‌شود. اتحادیه اروپا در کنار آمریکا و چین یکی از سه بازیگر بزرگ جهانی در تجارت بین‌المللی است. اتحادیه اروپا بزرگ‌ترین صادرکننده کالا و خدمات در جهان است و بزرگ‌ترین بازار واردات برای بیش از ۱۰۰ کشور است.

علاقه‌مندی اتحادیه اروپا به غرب آسیا به‌طور عمده ناشی از ملاحظات اقتصادی بوده است. ملاحظاتی که این رابطه را ضروری ساخته از هر دو نوع ایجابی و سلبی هستند. از جمله ملاحظات ایجابی آن است که غرب آسیا از نظر تجاری برای اروپا به مراتب اهمیت بیشتری دارد تا برای ایالات متحده، چراکه این منطقه سرچشمه نفت و گاز وارداتی اروپا است. همچنین اقتصادهای غرب آسیا بویژه کشورهای منطقه خلیج فارس، بازارهای صادراتی مهمی برای اروپا هستند. هم از بعد سرمایه‌گذاری در منابع انرژی و زیرساخت‌ها و هم از بعد وجود بازاری گسترده و با تقاضا و کشش بالا، منطقه غرب آسیا برای اتحادیه اروپا مهم است (Vogler, 2020: 145).

بر اساس داده‌های جدول زیر می‌توان گفت که ترکیه مهمترین شریک اتحادیه اروپا در بخش صادرات و واردات کالا در منطقه غرب آسیا است. در عین حال مراودات تجاری دیگر رقبای منطقه‌ای ایران با اتحادیه اروپا نیز قابل توجه می‌باشد. از آنجا که ایران در طی سه سال اخیر تحت تاثیر تحریم‌های امریکا است مراودات تجاری ایران با اتحادیه اروپا به کمترین میزان رسیده است و نیز اطلاعات آماری دقیقی در مورد میزان واردات از اتحادیه اروپا به ایران وجود ندارد. رقم مطرح شده در زمینه صادرات اتحادیه اروپا به ایران را می‌توان در قالب برنامه اینستکس مد نظر قرار داد.

جدول ۴- صادرات و واردات اتحادیه اروپا به/از کشورهای منتخب منطقه غرب آسیا

صادرات اتحادیه اروپا به:		واردات اتحادیه اروپا از:	
کشور	به ارزش (میلیارد دلار)	کشور	به ارزش (میلیارد دلار)
ترکیه	۸۲/۲	ترکیه	۸۹/۳
عربستان	۳۲/۶	عربستان	۳۲
اسرائیل	۲۴/۱	اسرائیل	۱۵/۹
ایران	۴/۹۳	ایران	---

منبع: <https://tradingeconomics.com/european-union/imports-by-country>

به طور کلی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در حال حاضر پنجمین بازار بزرگ صادرات اتحادیه اروپا است و این اتحادیه شریک تجاری برتر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس با سهم ۱۸ درصد از کل تجارت خلیج فارس است. در سال ۲۰۱۸، حجم معاملات تجاری اتحادیه اروپا کشورهای غرب آسیا به ۶۰۰ هزار میلیارد

دلار رسید. در حالی که صادرات شورای همکاری خلیج فارس به اتحادیه اروپا افزایش یافته است، سهم اتحادیه اروپا یک سوم کل واردات شورای همکاری خلیج فارس را تشکیل می‌دهد که در نتیجه یک توازن بزرگ و پایدار تجاری به نفع اتحادیه اروپا است (Gheorghe, 2020: 137-157).

کل تجارت اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۷ بالغ بر ۱۴۳.۷ میلیارد یورو بود. در سال ۲۰۱۷، صادرات اتحادیه اروپا به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس حدود ۹۹.۸ میلیارد یورو بود. در این میان، واردات اتحادیه اروپا از شورای همکاری خلیج فارس تنها ۴۳.۸ میلیارد یورو را به خود اختصاص داده و باعث ایجاد مازاد تجاری قابل توجهی برای اتحادیه اروپا شده است. تجارت کل اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس بین سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۶ در مدت ۱۰ سال ۵۳ درصد افزایش یافت (Tymeichuk, 2020: 78).

در سال ۲۰۱۷ صادرات اتحادیه اروپا به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس متنوع بود اما متمرکز بر محصولات صنعتی (۹۱.۱٪) مانند نیروگاه‌های تولید برق، لوکوموتیو راه‌آهن و هواپیما و همچنین ماشین‌آلات برقی و وسایل مکانیکی بود. ماشین‌آلات و تجهیزات حمل و نقل (۴۷.۳ میلیارد یورو، ۴۷.۴٪) و مواد شیمیایی (۱۱.۶ میلیارد یورو، ۱۱.۷٪) دسته اصلی محصولات صادر شده در سال ۲۰۱۷ بودند. واردات اتحادیه اروپا از کشورهای شورای همکاری خلیج فارس عمدتاً مواد معدنی و فرآورده‌های معدنی (۲۸.۷ بیلیون یورو، ۶۵.۵٪) و مواد شیمیایی (۵.۰ میلیارد یورو، ۱۱.۵٪) است. اتحادیه اروپا اولین شریک تجاری شورای همکاری خلیج فارس در سال ۲۰۱۸ بود که ۱۴.۶٪ از کل تجارت خود را به آن اختصاص داده بود (Tymeichuk, 2020: 78).

در فاصله نهایی شدن برجام تا شروع تحریم‌های مجدد از سوی دولت ترامپ علیه ایران، روابط تجاری ایران و اتحادیه اروپا به شدت گسترش می‌یابد، اما ترس از مجازات به دنبال تحریم مجدد ایران منجر به سقوط روابط تجاری ایران و اتحادیه اروپا شد. با این وجود طبق گزارشات وزارت امور خارجه، حجم تجارت ایران با اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۹ به بیش از ۳ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار رسید که ۵۰۰ میلیون دلار حجم صادرات ایران به اروپا بوده است (<http://www.irdiplomacy.ir>).

بر اساس گزارشات یورواستات، از میزان حجم کل تجارت اروپا با جهان (۲۰۱۳۰ میلیارد یورو)، حدود ۶۰۶۳ میلیارد یورو با ۲۷ کشور عضو بوده است. حجم کل صادرات اتحادیه اروپا به کشورهای عضو معادل ۳۰۶۱ میلیارد یورو، حجم کل واردات از کشورهای عضو معادل ۳۰۰۲ میلیارد یورو، حجم کل تجارت با کشورهای عضو معادل ۶۰۶۳ میلیارد یورو بوده است. همچنین در سال ۲۰۱۹ از کشورهای غیر عضو، چین ۱۹ درصد، آمریکا ۱۲ درصد و بریتانیا ۱۲ درصد واردات کشورهای عضو اتحادیه را تأمین کرده‌اند. سه کشور عمده غیر عضو که مقاصد صادراتی کشورهای عضو اتحادیه را تشکیل داده‌اند نیز شامل آمریکا با ۱۸، بریتانیا با ۱۵ و چین با ۹ درصد بوده است.

در فاصله سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۸، بیشترین میزان صادرات اتحادیه اروپا به ترکیه در سال ۲۰۱۸ رخ داده است در عین حال که بالاترین میزان صادرات ترکیه به اتحادیه اروپا نیز در همین سال رخ داده است. پس به نوعی سال ۲۰۱۸ را می‌توان سال شکوفایی روابط تجاری دو طرف دانست. در سال ۲۰۱۹ نیز کشورهای عضو اتحادیه با ترکیه ۱۳۸ میلیارد یورو تجارت داشته‌اند.^۱ در سال ۲۰۱۹ اتحادیه با عربستان سعودی نیز ۵۲۵۶۸ میلیارد یورو تجارت داشته است. عربستان در رتبه ۱۴ وارد کننده از اتحادیه اروپا و در رتبه ۱۸ صادر کننده قرار داشته است. در همین سال میزان صادرات اروپا به عربستان افزایش یافته است که منجر به تراز مثبت تجاری برای اتحادیه شده است.^۲ در سال ۲۰۱۹ ارزش تجاری اتحادیه اروپا با اسرائیل به رقم ۳۳/۰۹۵ میلیارد یورو رسید. صادرات اتحادیه به اسرائیل به میزان ۲۰/۱۰۱ و واردات اتحادیه از اسرائیل به میزان ۱۲/۹۹۴ یورو بوده است.^۳

ت- فروش تسلیحات نظامی

اتحادیه اروپا یک چهارم از صادرات کل تسلیحات جهان را در اختیار دارد و دومین صادرکننده بزرگ سلاح پس از آمریکا است. ارزش صادرات تسلیحات نظامی اتحادیه اروپا به غرب آسیا به طور متوسط سالانه ۸۰ میلیارد دلار است که در سال‌های بین ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ حدود ۲۱ درصد تجارت جهانی منطقه را تشکیل می‌دهد. مهمترین کشورهای

1. <https://ec.europa.eu>

2. <https://webgate.ec.europa.eu>

3. https://webgate.ec.europa.eu/isdb_results

وارد کننده تسلیحات نظامی اتحادیه اروپا در منطقه غرب آسیا به ترتیب؛ عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی هستند (Ochman, 2020: 185-206).

در اتحادیه اروپا کشورها فرانسه، آلمان، انگلستان و اسپانیا در صدر صادرکنندگان تسلیحات اروپایی هستند. این کشورها در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ استاندارد دوگانه‌ای را در صادرات تسلیحات نسبت به عربستان سعودی و ترکیه اتخاذ کردند به گونه‌ای که از فروش سلاح به ترکیه با این بهانه که ترکیه سلاح‌ها را در سوریه مورد استفاده قرار می‌دهد خودداری کردند اما به عربستان همچنان صادرات سلاح داشتند. اگرچه گروه‌های حقوق بشری خواهان ممنوعیت فروش سلاح به عربستان به دنبال قتل خاشقچی شده بودند اما کشورهای اتحادیه اروپا که صادر کننده سلاح هستند استاندارد حقوق بشر را تنها برای ترکیه به لحاظ فعال بودن در سوریه مد نظر قرار دادند (Hu, 2020: 22-29).

بنا بر اطلاعات منتشر شده از سوی سیپری، عربستان که بزرگترین وارد کننده سلاح در جهان است و در سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ به ارزش ۴/۹ میلیارد دلار سلاح اروپایی خریداری کرده است و میزان کل خرید تسلیحاتی این کشور ۱۶/۹ میلیارد دلار در فاصله زمانی مطرح شده بوده است، در حالی که ترکیه در همین دوره زمانی تنها ۳/۴ میلیارد دلار خرید تسلیحاتی از اروپا داشته است. شایان ذکر است که ۷۰ درصد نیاز تسلیحاتی ترکیه توسط صنایع داخلی این کشور تامین می‌شود. همچنین در چهار سال گذشته میزان صادرات تسلیحاتی ترکیه ۱۷۰ درصد افزایش یافته است و مشتریان اصلی تسلیحاتی ترکیه کشورهای امارات، ترکمنستان و عربستان هستند.^۱

هزینه‌های تسلیحاتی عربستان در سال ۲۰۱۷ با افزایش ۹/۲ درصدی به ۶۹/۴ میلیارد دلار رسید و در سال ۲۰۱۸ هزینه‌های نظامی این کشور ۸/۸ درصد کل تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داد. اما مساله قابل توجه این است که در سال‌های ۲۰۱۴ به بعد با کاهش قیمت نفت؛ هزینه نظامی ایران، عراق، کویت، عربستان، روسیه کاهش یافته است و این در حالی است که ایران تا اواخر سال ۲۰۲۰ به خاطر تحریم‌های هسته‌ای قادر به واردات تسلیحاتی نخواهد بود (Feinstein, 2020: 4-10).

1. <https://www.sipri.org/>

غرب آسیا نقطه تلاقی منافع چین و اتحادیه اروپا

بررسی داده‌های مربوط به فعالیت‌های اقتصادی- نظامی چین و اتحادیه اروپا در منطقه غرب آسیا، گویای آن است که این دو قدرت خارج از منطقه، در یک مسیر مشترک و با الگویی تقریباً مشابه به بازیگری در منطقه می‌پردازند.

نخست: در بخش انرژی وابستگی قابل توجه چین به واردات انرژی غرب آسیا مشهود است در حالی که اتحادیه اروپا به غرب آسیا بعنوان یک جایگزین جهت تنوع‌بخشی به منابع انرژی خود نگاه می‌کند و به طور سنتی روسیه همچنان تامین کننده اصلی انرژی اتحادیه اروپا محسوب می‌شود. در حالی که کشورهای عربستان و قطر برای چین مهمترین شریک تامین نفت و گاز محسوب می‌شوند، ایران در این بخش طی دو سال ۲۰۱۷-۲۰۱۹ نتوانسته است جایگاهی داشته باشد.

دوم: در بخش سرمایه‌گذاری‌ها حضور پررنگ و پیوسته چین با رقم‌های بالا و قابل توجه در کشورهای رقیب ایران کاملاً قابل لمس است، همچنین این داده‌ها نشان از رابطه مکمل و دوجانبه میان چین و کشورهای رقیب ایران دارد. مقایسه داده‌های مربوط به سرمایه‌گذاری چین در ایران چه قبل از تحریم‌ها و چه در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۹ با میزان سرمایه‌گذاری چین در کشورهای رقیب منطقه‌ای ایران نشان از ناچیز و اندک بودن آن دارد. اتحادیه اروپا نیز ایران را در هیچ نوع پروژه خاصی همچون پروژه تقویت قدرت اتحادیه اروپا در منطقه منا تعریف نکرده است. به این ترتیب کمترین وابستگی بین ایران با چین و اتحادیه اروپا در بخش سرمایه‌گذاری‌ها وجود دارد.

سوم: در بخش واردات و صادرات نیز شاهد تراز مثبت تجاری چین با اکثر کشورهای رقیب منطقه‌ای ایران (به غیر از ترکیه) می‌باشیم این در حالی است که اتحادیه اروپا با ترکیه نسبت به دیگر رقبای منطقه‌ای ایران بیشترین رابطه تجاری از بعد صادرات و واردات را دارد. در این قسمت نیز ایران نتوانسته است چشم‌انداز امیدبخش قابل توجهی برای چین و اتحادیه اروپا تعریف کند.

چهارم: در پروژه بین‌المللی یک کمربند-یک راه چین نیز اگرچه ایران- امارات- عربستان هر سه در حلقه شرکای استراتژیک چین تعریف شده‌اند اما به سبب تحریم‌ها و فقدان تعریف فرصت‌های سرمایه‌گذاری مناسب برای چین در ایران و ایجاد نوعی

وابستگی متقابل میان چین و ایران در پروژه مذکور، عملاً ایران از دو شریک استراتژیک چین در این پروژه بهره کمتری می‌برد.

پنجم: در بخش فروش تسلیحات، اتحادیه اروپا یکی از مهمترین و اصلی‌ترین تامین کنندگان سلاح کشورهای عربستان-امارات-قطر محسوب می‌شود و در عین حال چین نیز با نگاه کاملاً تجاری به دو کشور عربستان و امارات سلاح می‌فروشد. این در حالی است که ایران به خاطر تحریم‌های بین‌المللی عملاً تا اواخر سال ۲۰۲۰ مجاز به خرید سلاح نبوده است.

به طور کلی پنج مولفه اقتصادی فوق نشان می‌دهد که روابط دو قدرت بین‌المللی خارج از منطقه با کشورهای رقیب ایران، دوجانبه و بعضاً مکمل می‌باشد که این همسویی منافع و در حقیقت تلاقی منافع چین و اتحادیه اروپا با منافع قدرت‌های رقیب ایران در منطقه از نگاه دولت ایران نوعی تهدید برای امنیت ملی ایران تعریف می‌شود.

نتیجه‌گیری

امنیت در نگاه بوزان، تعامل تهدیدات و آسیب‌پذیری‌ها در جامعه بین‌المللی که رفتار دولت‌ها بر یکدیگر تاثیر می‌گذارد، تعریف می‌شود. در سطح منطقه‌ای مجموعه‌ای از قرائن ذهنی و شواهد عینی در تعیین قوت و ضعف کشورها دخیل هستند. بوزان در نظریه امنیت مجموعه منطقه‌ای به این نکته می‌پردازد که واحدهای سیاسی معین در یک منطقه جغرافیایی خاص می‌توانند مسائل امنیتی داشته باشند که با جهان یکسان نیست. چین و اتحادیه اروپا از جمله قدرت‌های بزرگی هستند که ضمن داشتن مسائل امنیتی مشابه، در منطقه غرب آسیا نیز در پیوند با قدرت‌های منطقه‌ای رقیب ایران، فرصت‌های مشابه مشترک یافته‌اند. وجود نظام توزیع چندقطبی قدرت در غرب آسیا باعث شده است که ائتلاف قدرت‌های رقیب منطقه‌ای ایران با اتحادیه اروپا و چین به عنوان تهدید به منافع ملی ایران در منطقه تعریف شود و در نتیجه رقابت میان دولت‌های این منطقه تشدید شود. به طور کلی از منظر استراتژیک، سه مساله در مورد همکاری‌های بین‌المللی چین و اتحادیه اروپا حائز اهمیت است: **الف**- این دو قدرت هیچ رقابت امنیتی در جهان با یکدیگر ندارند، **ب**- بعد از روی کار آمدن ترامپ و اعمال قانون تعرفه‌ها، چین و اتحادیه اروپا به همگرایی و همکاری بیشتری در نظام بین‌الملل جهت اصلاح ساختار

سیستم تجارت جهانی سوق یافته‌اند، پ- چین و اتحادیه اروپا پیمان سرمایه‌گذاری دوجانبه را امضا کرده‌اند که بر اساس آن به دنبال حفظ ثبات سیستم تجارت جهانی هستند. بر این مبنا می‌توان گفت که هیچ شکافی میان این دو قدرت فرامنطقه‌ای وجود ندارد.

در فضای تحریم‌های گسترده آمریکا علیه ایران، از آنجا که امکان سرمایه‌گذاری اقتصادی و افزایش پیوندهای اقتصادی میان ایران- چین و ایران- اتحادیه اروپا در مقایسه با سایر کشورهای منطقه غرب آسیا وجود ندارد و در عین حال هر ساله بر میزان پیچیدگی همکاری کشورهای رقیب منطقه‌ای ایران با چین و اتحادیه اروپا افزوده می‌شود، عملاً وزن استراتژیکی ایران در معادلات بین‌المللی به خصوص در تصمیمات تعیین‌کننده دو قدرت فرامنطقه‌ای کاهش می‌یابد. اگرچه ایران پتانسیل‌های فراوانی در زمینه‌های مختلف برای ادغام در سیستم اقتصاد جهانی دارد اما به خاطر تحریم‌های آمریکا، این مساله از حالت بالقوه به بالفعل نمی‌تواند تبدیل شود؛ بنابراین می‌توان گفت که فرضیه این پژوهش صادق بوده است. تمرکز ایران بر افزایش توان داخلی اگرچه می‌تواند تحت عنوان استقلال مطرح و بعنوان مزیت در نظر گرفته شود اما در عمل زمانی که دنیا را مجموعه‌ای وابسته ببینیم که این وابستگی متقابل زمینه ایجاد امنیت را فراهم کرده است و در این مجموعه وابسته، ایران جایگاه و نقش خود را در نظام پیوسته و وابسته اقتصاد جهانی نتوانسته است تعریف کند، باید گفت امنیت ملی ایران به شدت در معرض خطر قرار گرفته است.

توصیه‌های سیاستی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حال با توجه به شرایط کنونی ایران توصیه‌هایی در جهت فرصت‌آفرینی ارائه می‌گردد:

- ۱- استفاده از توان بخش خصوصی در عرصه‌های اقتصاد و سیاست: برای کاهش آثار تحریم‌های آمریکا باید از توان تشکلهای اقتصادی غیردولتی در عرصه‌های اقتصاد و سیاست به‌عنوان ابزاری برای دور زدن تحریم‌ها استفاده کرد؛ از آنجایی که هدف تحریم‌های آمریکا بنا به ادعای مقامات این کشور، دولت ایران است و نه ملت ایران؛ بر همین اساس بخش خصوصی برخلاف بخش دولتی برای ارتباط با شرکای تجاری چینی

و اروپایی، کمتر با مانع تحریم روبه‌رو خواهد شد. زیرا در دوره تحریم‌ها بخش خصوصی توان ایجاد ارتباط گسترده با مؤسسات اقتصادی خارجی را دارد.

۲- با فشار ایران بر اروپا و نزدیک شدن به پایان اولتیماتوم شصت‌روزه، بالاخره در ۸ تیر ۱۳۹۸ اروپا رسماً کانال مبادلات تجاری خود را با ایران افتتاح کرد. این امر می‌تواند آغازی برای بروز شکاف بیشتر میان منافع آمریکا و اروپا باشد؛ زیرا تبادل غیردلاری اروپا با هر کشوری می‌تواند به ضرر منافع اقتصادی آمریکا تمام شود. اگرچه تمرکز این کانال در حال حاضر بر تجارت دارو و غذاست، با استقامت بیشتر دستگاه دیپلماسی کشور می‌توان گستره عملیاتی آن را به سایر حوزه‌ها افزایش داد. تأکید ایران بر تغذیه منابع این کانال صرفاً از طریق فروش نفت ایران به اروپا، منجر به ناکامی هر چه بیشتر آمریکا در رسیدن به اهداف خود خواهد شد. این عمل در تجارت با کشور چین هم می‌تواند با اصول و شرایط خاص مقتضی در دستور کار قرار گیرد.

۳- استفاده حداکثری ایران از تقابل بین اتحادیه اروپا و چین با آمریکا: با خروج آمریکا از برجام و در ادامه تشدید تحریم‌های این کشور علیه ایران، روابط ایران با دیگر کشورهای جهان نیز دستخوش تغییرات اساسی شده است. کشورهای جهان در مقابل خروج آمریکا از برجام، واکنش‌های سیاسی متفاوتی را طی این دوره از خود نشان داده‌اند، به طوری که برخی از کشورها به دلیل نگرانی از بابت تحریم‌های ثانویه آمریکا، قطع روابط تجاری با ایران را در دستور کار خود قرار می‌دهند و برخی دیگر مانند کشورهای اروپایی برای حفظ برجام به ادامه همکاری‌های تجاری با ایران اصرار دارند. در صورتی که اتحادیه اروپا و ایران بتوانند تحریم‌های بانکی را با برقراری سازکار مالی مانند اینستکس برطرف کنند، می‌توان به افزایش انگیزه شرکت‌های اروپایی برای همکاری‌های تجاری با ایران امیدوار بود. عملیاتی شدن اینستکس از سوی اتحادیه اروپا به معنای رسمیت یافتن مبادلات غیردلاری است که چه‌بسا به تقابل هرچه بیشتر اروپا و آمریکا بینجامد و ایران نیز باید از این فرصت استفاده کند. همچنین چین در تقابل تجاری با آمریکا است که ایران از این فرصت نیز باید بتواند به نفع خود بهره‌برد.

۴- تعجیل در تدوین راهکارهای سیاسی - اقتصادی: روند تصمیمات سیاسی - اقتصادی در ایران با سرعت بسیار پایین همراه است؛ توصیه می‌شود مسئولان تعجیل در تدوین راهکارها در هر دو زمینه سیاسی و اقتصادی را در اولویت کار خود قرار دهند و با تسهیل

و تسریع سیستم اداری در امور سرمایه‌گذاری و جلب شریک تجاری خارجی زمینه را برای حضور شرکت‌های چینی و اروپایی فراهم سازند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

Mitra Rahnejhad: <https://orcid.org/0000-0002-2231-142X>

Tirdad Taghipoor Javi: <https://orcid.org/0000-0001-8959-4236>

منابع

- بوزان، بری، (۱۳۷۸)، مردم، دولت، هراس، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خضری، رویا، (۱۳۹۷)، «روابط اتحادیه اروپا با چین در دوران ترامپ»، فصلنامه سیاست خارجی، تابستان، دوره ۳۲، شماره ۲.
- فرخی چشمه سلطانی، مجید و سعید عطار، (۱۳۹۶)، «آینده پژوهی حضور امریکا در غرب آسیا»، فصلنامه افاقی امنیت، بهار، دوره ۱۰، شماره ۳۴.
- نصری، قدیر، (۱۳۸۹)، «سه فرمول کلیدی برای درک منطق منازعه در خاورمیانه: دیدگاه باری بوزان»، پژوهشکده مطالعات خاورمیانه.
- - - - - (۱۳۹۰)، درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

References

- Ahn, S. H, (2020), *Policing Northeast Asia: The Politics of Security in Russia and Korea*, Palgrave Macmillan, Seoul: University of Seoul, Korea.
- Almomani, H, & Alfawwaz, A, (2020), "The Global Political Economy of Emerging Powers: Envisaging a Chinese Model in the Middle East?" Dr. Walid Khalid Abudalbouh Dr. Mohammad Alqatatsheh, *Jordan, Journal of Law and Political Sciences*, Vol, 12 (2).
- Алдабек, Н. А., Тургенбай, А. А., & Асыл, М. Б, (2020), China's "One Belt, One Way", Strategic Project and the causes of Sino Phobic Centiment in Kazakhstan, *Journal of Oriental Studies*, 92(1).

- Buzan, Barry and Waever, Ole, (2003), *Regions and Power: The Structure of International Security*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Blanchard, J. M. F, (2020), “Problematic Prognostications about China’s Maritime Silk Road Initiative (MSRI): Lessons from Africa and the Middle East”, *Journal of Contemporary China*, 29 (122).
- Chi, Y., Ge, al, (2020), “Serum Cytokine and Chemokine Profile in Relation to the Severity of Coronavirus Disease 2019 in China”, *The Journal of Infectious Diseases*.
- Covi, G, & Eydam, U, (2020), End of the Sovereign-bank Doom Loop in the European Union? The Bank Recovery and Resolution Directive, *Journal of Evolutionary Economics*, 30(1).
- Feinstein, A., & Choonara, I, (2020), Arms Sales and Child Health, *BMJ Paediatrics Open*, 4(1).
- Fulton, J, (2020), “Situating Saudi Arabia in China's Belt and Road Initiative”, *Asian Politics & Policy*, 12(3).
- Geeraerts, G, (2019), The EU-China Partnership: Balancing between Divergence and Convergence, *Asia Europe Journal*, 17(3).
- Gheorghe, D, (2020), “European Union-Israel Relations: A Descriptive Research of the Status-Quo as Part of the Transatlantic Relations”, *Europoly-Continuity and Change in European Governance*, 14(1).
- Kymlicka, W, (2010), The Rise and Fall of Multiculturalism? New Debates on Inclusion and Accommodation in Diverse Societies, *International Social Science Journal*, 61(199).
- Liu, H., Wu, T., & Xu, Y, (2020), The Dynamics of China’s Attitude towards Implementing the Responsibility to Protect in the Middle East and North Africa, *Mediterranean Politics*, 1-28.
- Liebenberg, I., Kruijt, D., & Paranjpe, S, (2020), *Defence Diplomacy and National Security Strategy: Views from the Global South*, African Sun Media.

- Ramírez, J. M., & Biziewski, J, (2020), *A Shift in the Security Paradigm: Global Challenges: Is Europe Ready to Meet Them?* Springer.
- Sahrasad, H., Chaidar, A., Ridwan, M., Tabrani, D., & Mulky, M. A, (2020), “Iran-Saudi-Turkish Rivalry and Implications of the Iran-US/West Nuclear Agreement on Wahabis in Indonesia”, *Britain International of Humanities and Social Sciences (BIOHS) Journal*, 2 (2).
- Singh, D., & Gal, Z, (2020), “Economic Freedom and its Impact on Foreign Direct Investment: Global Overview”, *Review of Economic Perspectives*, 20 (1).
- Wang, S., Lu, J., & Jiang, L, (2020), “Time Reliability of the Maritime Transportation Network for China’s Crude Oil Imports”, *Sustainability*, 12 (1).
- Wu, J., Wang, T., Jiang, H., & Ouyang, Z, (2020), Location Choice of Overseas Investments in Transportation Infrastructure by Chinese Enterprises: From the Perspective of the “BRICS” Mode, In *Recent Trends in Decision Science and Management*, Springer, Singapore.
- Zhenhua Lu - Zhenhua Lu, (2019), “China Sells Arms to more Countries and is World’s Biggest Exporter of Armed Drones, Says Swedish Think Tank SIPRI”, (MAY 202), [https:// www. scmp. com/ news/china/military/article](https://www.scmp.com/news/china/military/article).
- Teddy Ng and Liu Zhen,2019, “China eyes Bigger Role in Growing Middle East Arms Trade”, (JULY 2020), [https:// www. scmp. com/ news/china/military/article](https://www.scmp.com/news/china/military/article).
- World Energy Perspectives 2017 the Role of Natural Gas, World Energy Council”, (JUNE 2020), [https:// www. worldenergy. org/ assets/ downloads/](https://www.worldenergy.org/assets/downloads/).
- European Union, Trade in Goods with Saudi Arabia, (20 November 2020), [https:// webgate. ec. europa. eu. Turkey-EU - international Trade in Goods Statistics \(10november 2020\)](https://webgate.ec.europa.eu/Turkey-EU-international-Trade-in-Goods-Statistics).

- [https:// ec. europa. eu/ eurostat/ statistics-explained/ index. php/ Turkey-EU.](https://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php/Turkey-EU)
- European Union, Trade with Israel (15 September 2020), <https://webgate.ec.europa.eu>.
- World Energy outlook, IEA, 2019 (MAY 2020), [https:// www. iea. org/ reports/world-energy-outlook-2019.](https://www.iea.org/reports/world-energy-outlook-2019)
- Top 15 Crude Oil Suppliers to China (APRIL 2020), [http:// www. worldstopexports.com.](http://www.worldstopexports.com)



استناد به این مقاله: راه نجات، میترا، تقی پور جاوی، تیرداد، (۱۴۰۰)، «تأثیر رقابت چین و اتحادیه اروپا در غرب آسیا بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۰(۳۸)، ۱۴۲-۱۷۴.
doi: 10.22054/qps.2021.53825.2598